

هر مز چگونه اقتصاد جهان را لرزاند

اختلال در تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز پس از آغاز جنگ رمضان، موجی از افزایش قیمت انرژی و کالاهای پایه را در جهان رقم زد



حمیدرضا کاشانی

روزنامه نگار

یادداشت

N E W S



سیدطه حسین مدنی

رئیس اندیشکده حکمرانی هوشمند

نظم دریایی نوین در خلیج فارس

کشور ماطلی دهه‌های گذشته‌بی هیچ چشمداشتی، مسئولیت سنگین تأمین امنیت تنگه هرمز را بر عهده داشت؛ آبراهی که یکی از حیاتی‌ترین گذرگاه‌های تجارت جهانی به شمار می‌رود. ایران در حالی این مأموریت را انجام می‌داد که می‌توانست همانند بسیاری از گذرگاه‌های راهبردی جهان از محل عبور کشتی‌ها، درآمدزایی یا هزینه‌های امنیتی را از ناوگان عبوری دریافت کند، اما ترجیح داد ثبات تجارت جهانی و آرامش بازار انرژی را بر منافع مالی کوتاه‌مدت مقدم بدارد. با این حال، جنگ رمضان و تجاوز ناخردانه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه کشورمان، معادلات پیشین را دگرگون کرد و شرایطی جدید و نوین را در این آبراه راهبردی پدید آورد. واقعیت آن است که پس از این تحولات، سازوکارهای امنیتی تنگه هرمز دیگر نمی‌تواند دقیقاً به شکل گذشته ادامه یابد و طبیعی است که نظم تازه‌ای در مدیریت آن شکل گیرد.

کشورهای عربی خلیج فارس نیز در جریان بحران اخیر در یافتن اتکای کامل به حضور نظامی آمریکا برای تأمین امنیت، کارآمدی لازم را ندارد. این کشورها که امنیت سرزمینی خود را به پایگاه‌های آمریکایی گره زده بودند، با آغاز جنگ رمضان مشاهده کردند آمریکا مسئولیت مستقیم در حفاظت از کشتی‌ها را نپذیرفت و سامانه‌های دفاعی تنها هنگام هدف‌گیری سرزمین‌های اشغالی فعال شد. همزمان نیز گزارش‌هایی از منشأ نامعلوم برخی حملات نیز منتشر گردید.

رخدادهای این دوره برای کشورهای منطقه روشن ساخت که امنیت خلیج فارس بدون نقش آفرینی ایران قابل تضمین نیست. حتی در حوزه بیمه کشتیرانی نیز شرکت‌های بزرگ انگلیسی از پوشش محموله‌های عبوری از خلیج فارس خودداری کردند و این مسئله خلأ جدی بیمه‌ای در یکی از مهم‌ترین مسیرهای انرژی جهان به وجود آورد. همزمان، سامانه‌های دفاعی ناوگان آمریکایی که مدعی تأمین امنیت منطقه بودند، فاصله‌ای بیش از ۵۰۰ کیلومتر از محدوده بحران گرفتند و واشنگتن نیز اعلام کرد وابستگی مستقیمی به تنگه هرمز ندارد. چنین موضعی در عمل به معنای آن بود که کشورهایی که به منابع انرژی این منطقه نیاز دارند باید خود مسئولیت امنیت مسیرهای کشتیرانی را بر عهده گیرند.

تحولات اخیر در کنار تهدیدها، فرصت‌هایی تازه‌نیز برای ایران ایجاد کرده است. خلأ بیمه‌ای موجود می‌تواند زمینه شکل‌گیری سازوکارهای منطقه‌ای برای بیمه کشتی‌ها و محموله‌های عبوری را فراهم آورد؛ سازوکاری که با مشارکت کشورهای منطقه و حتی با اتکای بیمه‌ای به شرکت‌های روسی یا چینی قابل طراحی است. در چنین چارچوبی، کشتی‌هایی که از مبدأ خلیج فارس بارگیری می‌کنند، افزون بر بیمه‌های پایه بین‌المللی، ملزم خواهند بود الحاقیه‌ای ویژه برای تردد در این آبراه دریافت کنند. این الحاقیه می‌تواند هزینه‌های امنیتی، جبران آسیب‌های واردشده به زیرساخت‌ها و تقویت ناوگان حفاظتی ایران را پوشش دهد.

بازارهای جهانی در هفته‌های اخیر با یکی از پرتنش‌ترین دوره‌های خود در سال‌های گذشته روبه‌رو شده‌اند؛ دوره‌ای که بسیاری از تحلیلگران آن را نتیجه مستقیم تحولات ژئوپلیتیکی در خلیج فارس می‌دانند. آغاز جنگ رمضان و تشدید کنترل عبور و مرور کشتی‌ها در تنگه هرمز از سوی ایران، نه‌تنها مسیر انتقال بخش مهمی از انرژی جهان را با اختلال مواجه کرده بلکه واکنش زنجیره‌ای در بازارهای کالایی، انرژی و حتی نظام مالی بین‌المللی ایجاد کرده است. داده‌های منتشر شده در بازارهای جهانی نشان می‌دهد تنها در فاصله کوتاهی پس از این تحولات، قیمت مجموعه‌ای از کالاهای اساسی با جهشی قابل توجه روبه‌رو شده است؛ جهشی که دامنه آن از چند درصد تا ده‌ها درصد متغیر بوده و نگرانی‌هایی جدی درباره آینده تجارت جهانی، امنیت انرژی و ثبات زنجیره‌های تأمین به وجود آورده است.

جهش قیمت در بازارها
آمارهای منتشرشده از بازارهای کالایی جهان نشان می‌دهد آغاز جنگ رمضان و کنترل عبور کشتی‌ها در تنگه هرمز، افزایش قابل توجه بهای انرژی و برخی مواد پایه را به دنبال داشته است. بررسی داده‌های معاملاتی تا میانه این بحران حکایت از آن دارد که قیمت دست‌کم چهارده کالای مهم در بازارهای جهانی رشد محسوسی را تجربه کرده‌اند. چارلی ببلو، تحلیلگر بازارهای کالایی، در ارزیابی این تحولات تأکید می‌کند تنش‌های ژئوپلیتیکی اخیر باعث جهش قابل توجه قیمت انواع انرژی و کالاهای پایه در سطح بین‌المللی شده است. واکنش سریع بازارها به این تحولات نشان می‌دهد وابستگی اقتصاد جهانی به گذرگاه‌های راهبردی انرژی همچنان بسیار بالاست

و هرگونه اختلال در آنها به سرعت در قیمت‌ها منعکس می‌شود. براساس داده‌های منتشرشده، بیشترین افزایش قیمت به‌نفت گاز گرمایشی تعلق دارد که رشد ۷۷ درصدی را ثبت کرده است. گاز طبیعی اروپا نیز با افزایش ۷۱ درصدی در رتبه بعدی قرار گرفته و نفت خام برنت با رشد ۵۸ درصدی و نفت خام آمریکا با افزایش ۵۱ درصدی، از دیگر کالاهایی هستند که بیشترین واکنش را به تحولات منطقه نشان داده‌اند. افزون بر این، بازار نهاده‌های کشاورزی و صنعتی نیز تحت تأثیر قرار گرفته است. قیمت اوره ۴۸ درصد افزایش یافته، سوخت دیزل با رشد ۴۴ درصدی روبه‌رو شده و گوگرد نیز ۴۳ درصد گران‌تر شده است. بنزین در بازارهای جهانی ۴۲ درصد افزایش قیمت داشته و بهای کودهای شیمیایی نیز حدود ۲۹ درصد بالا رفته است. دامنه این افزایش‌ها به سایر کالاهای نیز رسید. زغال سنگ ۲۱ درصد، روغن پالم ۱۴ درصد، سنگ آهن و برنج هر کدام ۷ درصد و گاز طبیعی آمریکا نیز حدود ۶ درصد رشد قیمت را تجربه کرده‌اند. چنین روندی نشان می‌دهد شوک ناشی از تحولات ژئوپلیتیکی تنها به بازار نفت محدود نمانده و مجموعه‌ای از بازارهای مرتبط را درگیر کرده است. نکته قابل توجه آن است که این افزایش قیمت‌ها در شرایطی رخ داد که هنوز برخی گلوگاه‌های مهم دریایی بسته نشده‌اند. تنگه باب‌المندب همچنان به طور کامل مسدود نشده و عربستان سعودی نیز روزانه بیش از پنج میلیون بشکه نفت به بازارهای جهانی صادر می‌کند. با این حال، بسیاری از تحلیلگران هشدار می‌دهند در صورت گسترش تنش‌ها، حتی تنگه راهبردی مالاکا نیز ممکن است تحت تأثیر قرار گیرد؛ گذرگاهی که اختلال در آن می‌تواند تجارت دریایی آسیا و بخش بزرگی از جریان انرژی جهان را با چالش جدی مواجه سازد.

اختلال در مسیر تجارت
گزارش تازه نشریه اکونومیست تصویر گسترده‌تری از پیامدهای این بحران ارائه می‌دهد. این نشریه می‌نویسد ایران با ایجاد اختلال در تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز عملاً مسیر انتقال حدود یک پنجم نفت و گاز جهان را تحت فشار قرار داده و همین مسئله اقتصادهای بزرگ را با شوکی قابل توجه روبه‌رو کرده است. اهمیت موضوع تنها به این آبراه محدود نمی‌شود. اکونومیست از شبکه‌ای از گلوگاه‌های حساس در تجارت جهانی سخن می‌گوید که هم‌زمان تحت فشار قرار گرفته‌اند. تنگه باب‌المندب نمونه‌ای از این نقاط است؛ جایی که سهم آن در تجارت جهانی از حدود ۹ درصد به نزدیک ۴ درصد کاهش یافته است. دریای سیاه نیز همچنان تحت تأثیر جنگ اوکراین قرار دارد و انتقال غلات و نفت در این منطقه با محدودیت‌هایی روبه‌رو شده است. افزون بر این، کانال پاناما نیز به دلیل خشکسالی با محدودیت عبور کشتی‌ها مواجه شده و بسیاری از نفتکش‌ها ناچار شده‌اند مسیرهای طولانی‌تری را در اطراف آمریکای جنوبی طی کنند. هم‌زمان ذوب یخ‌های قطبی نیز مسیرهای جدیدی را در شمال جهان گشوده که خود می‌تواند گلوگاه‌های تازه‌ای در نقشه تجارت جهانی ایجاد کند. شاخص‌های اقتصادی نیز ابعاد این بحران را روشن‌تر می‌کنند. گزارش‌ها نشان می‌دهد حدود ۳۰۰ نفتکش در بنادر مختلف جهان معطل مانده یا مسیر خود را تغییر داده‌اند. هزینه اجاره نفتکش‌های بزرگ که پیش‌تر حدود ۹۰ هزار دلار در روز بود، اکنون به حدود ۲۳۰ هزار دلار رسیده است. هزینه سوخت دریایی نیز تقریباً دوبرابر شده و بسیاری از کشتی‌ها برای کاهش مصرف، سرعت حرکت خود را کاهش داده‌اند؛ به

گلوگاه حیاتی اقتصاد جهان

هرگونه اختلال در هرمز می‌تواند بازارهای انرژی، حمل‌ونقل و تورم جهانی را دستخوش تلاطم سازد

تنگه هرمز همواره یکی از حساس‌ترین مفاصل ژئوپلیتیک جهان بوده؛ نقطه‌ای که بر لبه ظرفیت انرژی، امنیت و اقتصاد جهانی قرار دارد و کوچک‌ترین اختلال در آن، می‌توان موج‌هایی گسترده در بازارهای بین‌المللی ایجاد کند. جایگاه این آبراه نه‌فقط در نقشه جغرافیا، که در ساختار گردش انرژی و معادلات قدرت تعریف می‌شود. گزارش اخیر مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد اهمیت هرمز تنها در ظرفیت انتقال نفت نیست، بلکه در چهار حوزه نفت خام، ال‌ان‌جی، فراورده‌های نفتی و مواد شیمیایی، تا ۳۰ درصد تجارت جهانی بر دهانه این آبراه حیاتی استوار است؛ عددی که عمق وابستگی جهان به این گلوگاه را آشکار می‌سازد.

ارزیابی جریان انرژی در این مسیر نشان می‌دهد روزانه بیش از ۱۴ میلیون بشکه نفت خام، میعانات و مایعات گازی از هرمز عبور می‌کند؛ رقمی که معادل ۲۱ درصد از کل تجارت جهانی نفت است. با لحاظ کردن فراورده‌ها، حجم انتقالی به بیش از ۲۰ میلیون بشکه در روز می‌رسد. عربستان، عراق و امارات در صدر صادرکنندگان این مسیر قرار دارند و چین، هند و کره جنوبی نیز بیشترین واردات نفت عبوری از این آبراه را ثبت می‌کنند. همین الگوی وابستگی، تنگه هرمز را به نقطه‌ای تعیین‌کننده برای امنیت انرژی آسیا بدل کرده است.

سطح اثرگذاری هرمز محدود به نفت باقی نمی‌ماند. این آبراه شاهراه حیاتی انتقال ال‌ان‌جی است و حدود ۲۰ درصد تجارت جهانی گاز مایع از مسیر آن می‌گذرد. قطر به‌عنوان دومین صادرکننده بزرگ ال‌ان‌جی جهان، بار اصلی این جریان را حمل می‌کند و چین، هند و کره جنوبی نیز مقصد نخست این محموله‌ها هستند. چنین تمرکزی نشان می‌دهد هرگونه اختلال در این مسیر تنها یک بحران منطقه‌ای نخواهد بود و آثار آن بر شبکه انرژی سراسر جهان بلافاصله ظاهر می‌شود. تجارت فراورده‌های نفتی نیز نسبت چشمگیری به هرمز دارد. انتقال ال‌پی‌جی، نفتا و سوخت جت به ترتیب ۲۴، ۲۳ و ۲۴ درصد تجارت جهانی این محصولات را شامل می‌شود. کشورهای آسیایی همچنان مقصد اصلی فراورده‌ها هستند؛ با این تفاوت که اروپا پس از جنگ اوکراین، نیمی از واردات سوخت جت خود را از این مسیر تأمین می‌کند و نسبت به هر نوسان قیمت، حساسیتی مضاعف دارد. حوزه مواد شیمیایی نیز به همین میزان درگیر این آبراه است؛ تجارت متانول، اوره و پلی‌اتیلن وابستگی ۱۵ تا ۳۵ درصدی به هرمز دارد. حتی تجارت جهانی آلومینیوم که محصول صنایع انرژی‌بر کشورهای حاشیه خلیج است، با سهم حدود ۸ درصد، به این مسیر متصل مانده است.

ابعاد اقتصادی اختلال در هرمز در سناریوهای مختلف نشان می‌دهد

گونه‌ای که میانگین سرعت کشتی‌ها در ماه مارس حدود دو درصد افت کرده است. چنین تحولاتی نشان می‌دهد بسته شدن یا محدود شدن هر مسیر دریایی اصلی، هزاران مایل به مسیر سفرهای تجاری می‌افزاید و زمان حمل‌ونقل را هفته‌ها طولانی‌تر می‌کند. نتیجه طبیعی این روند، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و فشار بیشتر بر قیمت کالاها در بازارهای جهانی است. اکونومیست در جمع‌بندی تحلیل خود تأکید می‌کند تجارت جهانی ناچار شده برای عبور از این شرایط، مسیرهای تازه‌ای را جست‌وجو کند. زنجیره‌های تأمین در حال بازآرایی هستند و بسیاری از کالاها از طریق مسیرهای زمینی یا بنادر منطقه‌ای جابه‌جا می‌شوند. چنین روندی نشان می‌دهد جغرافیا بار دیگر به عامل تعیین‌کننده در اقتصاد جهانی تبدیل شده است و کشورهایی که گلوگاه‌های مهم دریایی را در اختیار دارند، قدرت چانه‌زنی بیشتری پیدا کرده‌اند.

تلاطم در نظام مالی

پیامدهای این بحران تنها به بازار انرژی و حمل‌ونقل محدود نمانده و نشانه‌هایی از تأثیر آن بر نظام مالی بین‌المللی نیز دیده می‌شود. گزارش تازه دویچه بانک هشدار می‌دهد جنگ میان آمریکا، اسرائیل و ایران می‌تواند به «طوفانی کامل برای پتrodollar» تبدیل شود و روند افول نقش دلار در تجارت انرژی را سرعت بخشد. تحلیلگران این بانک معتقدند ادامه این درگیری ممکن است به نقطه عطفی در تاریخ نظام پولی جهانی تبدیل شود؛ نقطه‌ای که در آن سلطه دلار بر معاملات نفتی به چالش کشیده شود و ارزهای جایگزین سهم بیشتری در این تجارت به دست آورند. گزارش‌هایی نیز منتشر شده که نشان می‌دهد ایران در حال مذاکره برای آن است که عبور برخی کشتی‌ها از تنگه هرمز تنها در صورتی مجاز باشد که پرداخت بهای نفت به یوان چین انجام شود. دویچه بانک یادآور می‌شود نشانه‌های تضعیف نقش دلار پیش از آغاز این درگیری نیز مشاهده می‌شد، اما بحران کنونی می‌تواند این روند را شتاب دهد. برخی کشورهای حوزه خلیج فارس ممکن است برای مقابله با فشارهای ناشی از بحران، بخشی از ذخایر دلاری خود را آزاد کنند. هم‌زمان نگرانی‌هایی درباره توان آمریکا در تضمین امنیت منطقه و حفاظت از زیرساخت‌های انرژی مطرح شده که می‌تواند بر رفتار سرمایه‌گذاران تأثیر بگذارد. ابعاد اقتصادی این بحران در گزارش‌های برخی تحلیلگران بین‌المللی نیز بازتاب یافته است. «هولگر اشاپیتس» تحلیلگر اقتصادی آلمانی، اعلام کرده جنگ با ایران تاکنون حدود ۱۲ تریلیون دلار از ارزش بازارهای جهانی کاسه است. این رقم از مجموع تولید ناخالص داخلی سه اقتصاد بزرگ آلمان، ژاپن و بریتانیا نیز بیشتر برآورد می‌شود. گزارش‌های پیشین اونیز از کاهش حدود پنج تریلیون دلار از ارزش بازار سهام آمریکا و جهش ۵۵ درصدی قیمت نفت برنت خبر داده بود. چنین ارقامی نشان می‌دهد بحران کنونی تنها یک تنش منطقه‌ای نیست بلکه شوکی بزرگ برای اقتصاد جهانی محسوب می‌شود؛ شوکی که می‌تواند مسیر بازار انرژی، تجارت جهانی و حتی ساختار نظام پولی بین‌المللی را در سال‌های آینده تحت تأثیر قرار دهد.